

جمشید ممتاز - سعید میرزایی ینگجه<sup>۱</sup>

این مقاله براساس مستندات حقوقی قابل دفاع، دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر را بازگو می‌کند. پس از بررسی تبعات حقوقی معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و روسیه، مسأله چگونگی استفاده از دریای خزر و منابع آن در شرایط کنونی، اوضاع محیط زیست، حقوق متساوی دول ساحلی و پیشنهاد‌های ارائه شده مبنی بر استفاده مشاع از دریا و منابع آن تبیین و بررسی می‌گردد. تنظیم یک رژیم حقوقی جامع برای دریای خزر مستلزم آماده‌سازی شرایط و مفاد آن برای اجرا توسط دولت‌های ساحلی در خصوص سایر جنبه‌های استفاده از دریا خواهد بود.

#### ۱. مقدمه

اصطلاح «دریای خزر» لزوماً به آن معنا نیست که آب‌های محصور در خشکی آن، دریایی را با مفهوم آنچه که در معاهده ۱۹۸۲ حقوق دریاهای سازمان ملل آمده است، تشکیل می‌دهند. خزر، بزرگترین دریاچه جهان<sup>(۱)</sup> است که بین آسیا و اروپا واقع گردیده و فاقد اتصال طبیعی به اقیانوس‌ها و دریاهای جهان است.<sup>(۲)</sup> از میان پنج دولت ساحلی دریای خزر<sup>(۳)</sup>، سه دولت محصور در خشکی<sup>(۴)</sup> هستند و تنها از طریق دریا به آب‌های آزاد دسترسی دارند. این شرایط منحصر به فرد یک امتیاز استراتژیک برای ایران و روسیه که کانال‌های اصلی دسترسی از دریای خزر به جهان بیرون هستند به ارمان آورده است.

این واقعیت که دریای خزر ذخایر متعدد نفت و گاز طبیعی دارد<sup>(۵)</sup> اهمیت آن

۱. دکتر جمشید ممتاز، استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه تهران و عضو کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد است و دکتر سعید میرزایی ینگجه رایزن حقوقی نمایندگی دائم ایران نزد سازمان ملل می‌باشد. این مقاله توسط آقای امیرمسعود اجتهادی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

را چندین برابر کرده است. در جهانی که نفت همچنان منبع اصلی انرژی آن می‌باشد، و هیچ جایگزین مناسبی برای آن یافت نشده است، ذخایر دریای خزر به عنوان منابع فرصت‌های جدید تلقی می‌شوند. دولتهای ساحلی در پی ذخایر نفت و گاز به عنوان منابع درآمد، موفقیت و توسعه اقتصادی هستند. شرکتهای نفتی، علاقمند به فرصت‌های سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز منطقه می‌باشند. به‌علاوه، کشورهای صنعتی می‌کوشند جریان نفت به صنایع خود را در سالهای آتی تضمین کنند.

## ۲. سیاست ایران در قبال دریای خزر

سیاست ایران در قبال دریای خزر درازمدت و جامع است. این سیاست دغدغه‌های مشروع ایران و همسایگان را یک‌جا، در نظر دارد. روشن است که دریای خزر فرصت‌های کافی برای همکاری میان دول ساحلی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و امنیتی ایجاد می‌کند. بهره‌برداری از این فرصت‌ها مستلزم برنامه‌ریزی بلندمدت و مدیریت بهتر چالش‌ها در دریای خزر است. آنچنانکه معلوم است، رهیافت کوتاه‌بینانه نسبت به موضوعات این دریا و قربانی کردن امتیازات درازمدت به خاطر نیل به اهداف کوتاه‌مدت و غیراساسی با منافع ملل اطراف دریاچه سازگاری ندارد. عناصر اصلی سیاست ایران در قبال دریای خزر را می‌توان به شکل ذیل خلاصه نمود:

اول و مهمتر از همه اینکه دریای خزر باید به دریای صلح، ثبات، دوستی و همکاری تبدیل شود. یقیناً، غیرنظامی کردن این دریا کمک فراوانی به تحقق این اهداف است. دولتهای ساحلی با تأکید بر منع حضور خارجی در منطقه، از غیرنظامی کردن دریای خزر حمایت می‌کنند. (۶)

دوم، جدای منافع دولتها و گروهی از دولتها یا شرکتهای نفتی، ملزومات زیست‌محیطی دریا را نمی‌توان و نباید نادیده گرفت. خزر، یک دریای بسته است، که توسط فعالیت‌های خشکی و اکتشافات و بهره‌برداری از ذخایر نفتی آن در بستر دریا آلوده می‌شود. برخی دولتهای ساحلی و شرکتهای نفتی مشغول فعالیت‌های اکتشاف و استخراج، مسئول

وارد شدن سالیانه یک میلیارد تن زباله، نفت و آلوده‌کننده‌های صنعتی به دریا هستند. وخامت اوضاع محیط زیست دریای خزر حیات حدود ۴۰۰ گونه حیاتی از جمله ماهی استورژن<sup>۱</sup>، منبع اصلی خاویار طلایی و سیاه که منحصرأ در این دریا رشد می‌کند را تهدید می‌نماید. روشن است که حفاظت از محیط زیست دریای خزر مستلزم همکاری کامل دولتهای ساحلی آن است.

سوم، اکتشاف و استخراج مداوم منابع بستر دریای خزر مستلزم طراحی استنادانه هنجارها و قواعد مناسب برای تنظیم فعالیت‌های دول ساحلی در این زمینه است. دولتهای ساحلی دریای خزر، از زمان فروپاشی شوروی، از نیاز به تأسیس یک رژیم حقوقی جامع برای این آبها آگاه بوده‌اند و برای نیل به این هدف کوشیده‌اند. آنها اجلاس‌های متعددی را در سطوح مختلف برای رسیدگی به این موضوع حیاتی برگزار کرده‌اند. آنها همچنین مذاکرات دوجانبه فراوانی انجام داده و اسناد زیادی که روشن‌کننده مواضع آنها در قبال وضعیت حقوقی دریای خزر هستند منتشر ساخته‌اند. مذاکرات جاری یقیناً مفید بوده و به دولتهای ساحلی در درک بهتر مواضع یکدیگر کمک کرده‌اند. متأسفانه فعالیت شتابزده شرکت‌های نفتی در منطقه برای مقاصد اکتشاف و استخراج، یا تضمین منافع خود در پروژه‌های انتقال نفت قبل از شکل‌گیری یک رژیم حقوقی روزآمد در دریای خزر، کمکی به تحقق و حفظ جو آرام در منطقه نکرده است. مداخله خارجی، نتیجه تلاش‌های انجام شده از سوی دول ساحلی برای نیل به راه‌حل عادلانه و قابل قبول از نظر همه، برای جنبه‌های مختلف وضعیت حقوقی دریا، و به‌منظور ایجاد ترتیباتی برای توسعه اقتصادی آن راه، با پیچیدگی روبرو ساخته و به تأخیر افکنده است.

### ۳. وضعیت حقوقی دریای خزر

در حقیقت، وضعیت حقوقی دریای خزر در دو موافقتنامه منعقد شده میان ایران و شوروی در سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تشریح شده است. گرچه رژیم حقوقی تأسیس شده به

1. Sturgeon.

وسيله موافقتنامه‌های مذکور جامع نیست، ولی هنجارهای مناسبی برای تنظیم روابط دو کشور در رابطه با استفاده از دریا در آن زمان پیش‌بینی کرده است. براساس موافقتنامه مذکور وضعیت دریای خزر را می‌توان به شرح ذیل توصیف کرد:

#### الف) عدم کاربرد UNCLOS (کنوانسیون سازمان ملل در مورد حقوق دریاها)

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، دریای خزر مجموعه‌ای از آبهای محصور در خشکی است که هیچ اتصال طبیعی با اقیانوس‌ها و دریاهای جهان ندارد. بنابراین، هنجارها و اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر خلیج‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها به این آبها تسری نمی‌یابد. این دیدگاه ایران و روسیه<sup>(۷)</sup> و سایر دولتهای ساحلی دریا به جز قزاقستان بوده است. نگاهی گذرا به وضعیت ۲۷ دریای بین‌المللی جهان نشان می‌دهد که رژیم حقوقی همه دریاها، به جز دریای کنستانتین توسط دولتهای ساحلی آنها تأسیس شده است؛ و هیچ رژیم یکپارچه‌ای وضعیت این دریاچه‌ها را تحت پوشش خود قرار نداده و هیچ قاعده عرفی برای شیوه عملی تحدید حدود آنها وجود ندارد. هاریتی دیپلا<sup>۱</sup> در تحلیل مفصل خود از معاهدات مربوطه تحدید حدود به این مطلب اشاره کرده است.<sup>(۸)</sup> از این رو، رویه دولتها در خصوص دریاچه‌های بین‌المللی را می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

اول، وضعیت دریاچه‌های بین‌المللی موضوعی است که صرفاً به دولتهای ساحلی آنها مربوط می‌شود.

دوم، هیچ رژیم یکپارچه‌ای در خصوص وضعیت حقوقی دریاچه‌های جهان به کار نمی‌رود.

نهایتاً، رژیم حقوقی دریاچه‌های بین‌المللی را می‌توان تأسیس، اصلاح و به‌وسیله توافق عمومی دولتهای ساحلی، جایگزین کرد.

1. Hariti Dipla.

### ب) رژیم حقوقی منحصر به فرد

ایران و روسیه، دو دولت ساحلی دریای خزر، قبل از انحلال شوروی یک رژیم حقوقی منحصر به فرد برای این دریا تأسیس کرده بودند. این رژیم حقوقی تجلی بسیاری از قواعد حاکم بر جنبه‌های مختلف استفاده از دریای خزر بود. رژیم حقوقی فعلی دریای خزر در معاهدات زیر تصریح شده است:

- معاهده مودت منعقد شده بین ایران و شوروی در ۱۶ فوریه ۱۹۲۱.

- موافقتنامه بازرگانی و ناوبری ایران - شوروی، ۲۵ مارس ۱۹۴۰، و نامه الحاقی به آن.

### ج) اعتبار معاهدات

معاهدات مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر هیچ تغییری نکرده و تاکنون معتبر باقی مانده‌اند. طرف‌های این معاهدات هیچ جرح و تعدیلی در مفاد آنها ایجاد نکرده‌اند. آنها همچنین روشن کرده‌اند که این معاهدات معتبر باقی مانده و با در نظر گرفتن تحولات به وجود آمده و اعمال تغییرات لازم در خصوص دریای خزر کاربرد دارند.<sup>(۹)</sup>

### د) ماهیت الزام آور برای کلیه دولتهای ساحلی دریای خزر

این موافقتنامه‌ها برای سایر دولتهای ساحلی دریای خزر به عنوان دولتهای جانشین شوروی نیز الزام آورند. چون، معاهدات مذکور حاوی مفاد مرزی هستند، یک رژیم سرزمینی خاص را مقرر داشته، و بنابراین در طبقه «معاهدات برخوردار از ماهیت محلی یا سرزمینی» می‌گنجد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر حقوقی جانشینی دولتها در رابطه با معاهدات، اعلام کرد که «معاهدات دارای ماهیت سرزمینی» چه در دکترین سنتی و چه در دیدگاه مدرن، از قاعده جانشینی دولتها تأثیر نمی‌پذیرند.<sup>(۱۰)</sup> به علاوه، دیوان بین‌المللی دادگستری، متن ماده ۱۲ معاهده ۱۹۷۸ وین که منعکس‌کننده این اصل می‌باشد را به عنوان یک قاعده حقوق

بین‌الملل عرفی شناسایی کرده است.<sup>(۱۱)</sup> در نتیجه طرف‌های ذینفع و غیرذینفع معاهده ۱۹۷۸، از جمله دولتهای ساحلی دریا موظف به رعایت معاهداتی که رژیم حقوقی دریای خزر را تعیین می‌کنند هستند.

علاوه بر این، تمامی جمهوری‌های سابق شوروی (به جز دولتهای تازه استقلال یافته بالتیک) صراحتاً اعلام کرده‌اند که رعایت الزامات معاهده‌ای شوروی برای آنها ضرورت دارد. با تصویب معاهده آلماتا در ۲۴ دسامبر ۱۹۹۱، جمهوری‌های وقت شوروی که بعداً به دولتهای مستقل تبدیل شدند، از جمله دولتهای ساحلی خزر، متعهد به اجرای کلیه تعهدات بین‌المللی مندرج در معاهدات منعقد شده به وسیله شوروی گردیدند.<sup>(۱۲)</sup>

#### ه) اجرای رژیم فعلی دریای خزر

گرچه معاهدات مذکور یک رژیم حقوقی جامع برای دریای خزر پیش‌بینی نمی‌کنند، ولی حاوی برخی مفاد مربوط به وضعیت این دریا و بهره‌برداری دول ساحلی از آن هستند. این مفاد، در میان سایر موارد، عبارت هستند از:

#### ناوبری

فصل ۱۱ معاهده مودت تصریح می‌دارد که طرف‌های موافقتنامه در رابطه با آزادی ناوبری در دریای خزر از حقوق مساوی برخوردارند و کشتی‌های در حال عبور از دریای خزر باید پرچم ملی خود را برافرازند. ماده ۱۲ موافقتنامه بازرگانی و ناوبری مقررات مفصل حاکم بر ناوبری کشتی‌های متعلق به طرف‌ها، سازمان‌های وابسته به آنها و اتباع آنها در سراسر دریا را تصریح می‌دارد. در چارچوب این مفاد با کشتی‌هایی که وارد بنادر طرف‌های متعهد می‌شوند رفتار مساوی می‌شود. ماده ۱۳ همان موافقتنامه، ناوبری کشتی‌ها در دریا به سوی بنادر متعلق به طرف‌های متعهد را محدود می‌سازد.

## ماهگیری

معاهده ۱۹۴۰ بازرگانی و ناوبری، ماهگیری در دریای خزر را تابع مقرراتی ساخته است. طبق بند ۴ ماده ۱۲ این موافقتنامه، اتباع هریک از طرف‌های متعاقد (روسی و ایرانی)، از حق ماهگیری انحصاری در کمر بند ۱۰ مایلی ساحلی خود برخوردارند. در مقابل، ماهگیری در سایر نقاط دریا برای اتباع دوطرف متعاقد، مجاز می‌باشد.

## حاکمیت مشترک

موافقتنامه مذکور به تحدید حدود دریای خزر اشاره‌ای نکرده و هیچ خط مرزی در آن ترسیم نشده است. ولی نامه‌های مبادله شده میان وزیر امور خارجه ایران و سفیر شوروی در تهران، پس از انعقاد موافقتنامه ۲۵ مارس ۱۹۴۰، مواضع دو حکومت را در خصوص وضعیت حقوقی این دریا روشن می‌سازد. این نامه‌ها به دریای خزر به عنوان یک دریای «شوروی-ایرانی» اشاره می‌کند.

در این نامه روشن نشده است که منظور از دریای شوروی-ایرانی چیست. ولی، از مفاد مربوطه موافقتنامه چنین استنباط می‌شود که طرف‌ها قصد تقسیم دریا میان دو کشور را نداشته‌اند. در عوض، آنها حاکمیت مشترک و مالکیت اشتراکی را ترجیح داده‌اند. دسترسی آزاد کشتی‌های طرفین به کل دریا، مجاز بودن صید ماهی توسط اتباع دو دولت در تمام نقاط دریا به جز منطقه ۱۰ مایلی انحصاری شیلات هریک از طرفین، و زبان مورد استفاده در نامه‌های مبادله شده پس از انعقاد موافقتنامه ۱۹۴۰، مُشعر بر دریای «شوروی-ایرانی»، همگی شاهد این مدعا هستند.

رژیم حقوقی فعلی دریای خزر مشابه رژیم خلیج فونسکا<sup>۱</sup> می‌باشد که دارای سه دولت ساحلی السالوادور، هندوراس و نیکاراگواست. وضعیت حقوقی خلیج فونسکا طی پرونده‌ای در

1. Gulf of Fonseca.

رابطه با اختلاف مرزی زمینی، جزیره‌ای و دریایی در خلیج فونسکا در دیوان بین‌المللی دادگستری مورد بررسی قرار گرفت. هیأت قضاوت دیوان دادگستری بین‌المللی رأی به موازات رأی دیوان دادگستری آمریکای مرکزی در سال ۱۹۱۷ صادر کرد. این هیأت دریافته بود که آبهای خلیج فونسکا، به جز کمربند آبی ۳ مایلی، آبهای تاریخی و تابع حاکمیت مشترک دولتهای ساحلی<sup>(۱۳)</sup> هستند. ولی دیوان اظهار نداشت که آبهای تحت حاکمیت مشترک را نمی‌توان میان دولتهای ساحلی تقسیم کرد. از نظر دیوان این آبها را می‌توان تابع تحدید حدود به‌وسیله توافق عمومی طرفها دانست.<sup>(۱۴)</sup>

#### ۴. تکمیل رژیم حقوقی دریای خزر

در طول مذاکرات میان دولتهای ساحلی برای روزآمد کردن رژیم حقوقی دریای خزر، ایران و روسیه از اعتبار دو موافقتنامه امضا شده در ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان دو کشور که متضمن مفادی در خصوص وضعیت حقوقی دریای خزر می‌باشند حمایت کرده‌اند.<sup>(۱۵)</sup> دو کشور این واقعیت را پذیرا هستند که موافقتنامه‌های مذکور رژیم جامعی ارایه نمی‌دهند و از این رو علیه اقدامات جاری برای روزآمد کردن رژیم حقوقی دریای خزر اعتراض نمی‌کنند. دو دولت استدلال کرده‌اند مادام که معاهدات مذکور تکمیل نشده‌اند و یا یک موافقتنامه جدید جایگزین آنها نگردیده است، به عنوان مرجع استدلال حقوقی در خصوص وضعیت دریای خزر معتبر باقی می‌مانند.<sup>(۱۶)</sup>

در زمان مذاکرات، قزاقستان، دولت ساحلی واقع در شمال شرقی دریای خزر، استدلال کرده است که کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل با تغییرات جزئی لازم شامل این آبها نیز می‌شود. اما ترکمنستان، دولت ساحلی دیگری که در شرق دریا واقع شده با تصویب یک قانون ملی ۱۰ مایل دریایی رابه عنوان منطقه ملی اعلام کرده و درصدد آن است که بقیه دریا به صورت مشاع اداره شود. آذربایجان، دولت ساحلی جنوب غربی دریای خزر خواستار تحدید حدود دریا و اعمال صلاحیت ملی در مناطق ملی هر دولت ساحلی است.



علاوه بر ایراد برخی ادعاها، تعدادی از دول ساحلی تدابیر عملی برای اجرای خواسته‌های خود اتخاذ کرده‌اند. از یک سو بعضی از دولتهای ساحلی مدعی برخورداری از حقوق انحصاری در رابطه با ذخایر نفتی در دریای خزر شده‌اند. از سوی دیگر، برخی کشورهای منطقه مذاکرات دوجانبه برای تحدید حدود مناطق دریایی خود با دول مجاور انجام داده یا در این رابطه معاهداتی منعقد نموده‌اند. هر دو دسته از تدابیر مورد اعتراض ایران واقع شده‌اند. ایران تدابیر یک‌جانبه و دوجانبه را مردود شمرده و به تعریف وضعیت حقوقی دریا توسط یک موافقتنامه عمومی اعتقاد دارد.

در این مقاله کوشش خواهد شد موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال وضعیت حقوقی دریای خزر، آنگونه که در اسناد رسمی مختلف توسط ایران در سازمان ملل ثبت گردیده، روشن شود. از قرار معلوم، اسناد مذکور صرفاً موضع رسمی ایران را منعکس می‌کنند و تفاسیر و نقطه‌نظرات نویسندگان این مقاله، که جنبه شخصی دارد، لزوماً موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران نیست.

## ۵. موضع ایران

ایران استدلال می‌کند که قبل از انحلال شوروی یک رژیم حقوقی استقرار یافته، بر دریای خزر حاکم بود. پس از تجزیه شوروی سه دولت تازه استقلال یافته حاشیه دریا این رژیم را که براساس حقوق بین‌الملل برای آنها الزام‌آور است، به ارث برده‌اند. به علاوه، آنها تعهد خود مبنی بر الزامات معاهده‌های شوروی، طبق اعلامیه آلماتا، مصوب ۱۲ دسامبر ۱۹۹۱ را تصریح نموده‌اند. ولی ایران از این واقعیت آگاه است که رژیم فعلی دریای خزر جامع نبوده، نیازمند تکمیل است. ایران مخالف طراحی دقیق قواعد مربوط به مناطقی که از نظر این موافقتنامه دورمانده‌اند نیست. ایران در خصوص این اقدام جمعی دیدگاه خاص خود را دارد که به شرح ذیل است:

## الف) رژیم حقوقی فعلی تا زمان اصلاح یا تغییر همچنان قابل اجراست

ایران تنها کشوری نیست که اظهار می‌دارد، مادام که رژیم فعلی ایجاد شده به وسیله موافقتنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، با توافق کل دول ساحلی اصلاح نشده است، برای دریای خزر قابل اجراست.<sup>(۱۷)</sup> فدراسیون روسیه و ترکمنستان نیز با این دیدگاه موافق هستند.<sup>(۱۸)</sup>

## ب) اتفاق نظر

طبق موضع ایران هر قاعده جدیدی در خصوص وضعیت دریای خزر باید براساس توافق کلیه دولتهای ساحلی، بدون استثنا، طراحی شود.<sup>(۱۹)</sup> به نظر می‌رسد که هیچ مخالفتی با این ترتیب صورت نپذیرد، زیرا پنج دولت ساحلی در اجلاس وزیران ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ در عشق‌آباد موافقت کرده‌اند هر تصمیمی درباره رژیم حقوقی دریای خزر پس از فروپاشی شوروی باید براساس اتفاق نظر و توافق همگانی اتخاذ شود.

## ج) حقوق مساوی

ایران معتقد است که قبل از فروپاشی شوروی، دو دولت ساحلی ایران و شوروی نسبت به دریای خزر حاکمیت مشترک و مالکیت مشترک داشتند. ولی، ایران منکر این مطلب نیست که پس از فروپاشی شوروی و با ظهور سه دولت ساحلی جدید، شرایط تازه‌ای بر منطقه حاکم شد. در عصر جدید، ایران، دیگر مدعی مالکیت ۵۰ درصدی در دریای خزر نیست. با این وجود، دلیلی برای باور کردن این مطلب وجود ندارد که اصول حاکمیت مشترک و مالکیت مشترک که دهه‌ها در خصوص آبهای خزر اعمال شده‌اند، با ظهور دولتهای ساحلی جدید دیگر وجود ندارند. هنجارهای مذکور همچنان در شرایط جدید قابل اجرا هستند. بنابراین، دریای خزر و منابع آن میراث مشترک دولتهای ساحلی می‌باشند.<sup>(۲۰)</sup> در نتیجه ایران با ادعای حقوق مساوی برای دولتهای ساحلی دریای خزر، قطعاً با توجه به شرایط جدید منطقه موضع خود را اتخاذ نموده است. این اصل که از حمایت فدراسیون روسیه<sup>(۲۱)</sup> و ترکمنستان<sup>(۲۲)</sup> برخوردار است طبق موضع ایران، باید مبنای مذاکرات و توافقی‌های آتی در خصوص وضعیت حقوقی دریای خزر قرار گیرد.

#### د) مخالفت با اقدامات یک‌جانبه و دوجانبه

چون یک رژیم قابل استفاده - هرچند ناقص - وجود دارد که برای کلیه دولت‌های ساحلی الزام‌آور است، هر اقدام یک‌جانبه از سوی هریک از دولت‌های ساحلی با هدف تحدید حدود مناطق دریای خزر و یا اعلام ادعاهای ملی در آن مناطق، طبق دیدگاه ایران، رژیم فعلی دریا را نقض می‌کند. این تدابیر همچنین مغایر توافق حاصل شده میان وزرای خارجه در عشق‌آباد، مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ است. به‌علاوه، ایران اظهار می‌دارد که اعلام مناطق ملی یا ایراد ادعا از سوی دولت‌های ساحلی در خصوص دریای خزر و / یا منابع آن، ناگزیر حقوق و منافع سایر دولت‌های خزر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نمی‌توان آنها را مشروع تلقی کرد. همچنین این ادعاها و اقدامات نمی‌توانند مبنای ادعاهای آتی دولت‌های مربوطه قرار گیرند و مسئولیت کامل خسارات به‌بار آمده برای سایر دولت‌های ساحلی در نتیجه فعالیت‌های غیرقانونی در دریای خزر، متوجه دولت‌های ناقض رژیم حقوقی این دریاست.

در نتیجه، ایران به کرات علیه تدابیر یک‌جانبه‌ای که برخی دولت‌های ساحلی اتخاذ کرده‌اند اعتراض نموده است. برای مثال، ایران به جمهوری آذربایجان به دلیل استخراج نفت از ذخایر چراغ در دریای خزر در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷ اعتراض کرد. ایران معتقد بود ذخایر نفتی در دریای خزر متعلق به کل دولت‌های ساحلی است و استدلال نمود که ادعاهای یک‌جانبه و استخراج یک‌جانبه منابع دریایی خزر ناقض رژیم فعلی آن، که در معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تعریف شده، می‌باشد. به علاوه، ایران اعلام کرد این ادعاهای یک‌جانبه باطل هستند و نمی‌توانند مبنای ادعاهای آینده قرار گیرند. طبق موضع ایران، دولت‌هایی که به این تدابیر متوسل می‌شوند، در قبال خساراتی که برای سایر دولت‌های ساحلی به‌بار می‌آورند مسئول هستند.<sup>(۲۳)</sup>

ایران، با اشاره به بیانیه مشترکی که رؤسای جمهور قزاقستان و ترکمنستان در ۲۷ فوریه ۱۹۹۷ درباره «تحدید حدود مرزهای سیاسی و سرزمینی در امتداد خطی که از میان دریا می‌گذرد» امضا کردند، اظهار داشت که اتخاذ این موافقتنامه‌های دوجانبه «برای جمهوری اسلامی ایران قابل قبول نیست». ایران همچنین اعلام کرد که «مسئولیت کامل خسارات به بار

آمده برای سایر دولتهای ساحلی در نتیجه «فعالیت‌های غیرقانونی» در دریای خزر متوجه دولتهایی است که رژیم حقوقی دریای خزر را نقض می‌کنند. (۲۴)

ایران همچنین اعتراض خود علیه ترتیبات دوجانبه در خصوص تعیین خط ساحلی مجاور توسط فدراسیون روسیه و قزاقستان را به ثبت رسانده است. این اعتراض اعلام می‌دارد که ایراد اصطلاحاتی چون «سهم قزاقستان» و یا «سهم روسیه» در بیانیه اخیر... رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه و ترکمنستان در تناقض با رژیم حقوقی فعلی دریای خزر و موافقتنامه مصوب دولتهای ساحلی در عشق‌آباد، مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ می‌باشد. (۲۵) به علاوه، در پی امضای توافقنامه‌ای میان قزاقستان و فدراسیون روسیه در خصوص وضعیت حقوقی دریای خزر، ایران اعلام کرد «موافقتنامه مذکور را باطل قلمداد می‌کند». (۲۶)

برخی دولتهای ساحلی کوشیده‌اند خطوط ساحلی مجاور خود را در دریای خزر بر مبنای خط منصف یا خط متساوی‌الفاصله تعیین کنند ولی به نتیجه عینی دست نیافته‌اند. (۲۷) بهتر است توضیحاتی در خصوص وضعیت خط منصف به عنوان یک شیوه تعیین حدود آرایه شود. طبق تحلیل برگرفته شده از معاهدات تعیین حدود مربوطه، منعقد شده میان دولتهای ساحلی آبهای بین‌المللی محصور در خشکی، هیچ قاعده یکسانی برای تعیین حدود که برای کلیه آبهای محصور در خشکی قابل اجرا باشد پدید نیامده و شیوه رعایت تساوی فاصله، وضعیت هنجار عرفی کسب نکرده است. (۲۸)

#### ه) راه‌حل‌های احتمالی

همانطور که پیشتر ذکر شد، طبق موضع ایران، رژیم حقوقی فعلی دریای خزر، باید مبنای مذاکرات و موافقت‌های آینده باشد. در نتیجه، ایران تداوم اجرای حاکمیت مشترک و مالکیت مشترک در دریای خزر را ترجیح می‌دهد. ترکمنستان و فدراسیون روسیه نیز از ترتیب مشاع حمایت می‌کنند. این رهیافت لزوماً بدان معنا نیست که حاکمیت مشترک در خصوص کل دریا قابل اجراست و کل مناطق دریایی باید از طریق ترتیب مشاع اداره شوند. بیانیه مشترک

صادره از سوی رؤسای جمهور ترکمنستان و ایران در ۸ ژوئیه ۱۹۹۸ به چگونگی نیل به یک راه حل مصالحه آمیز اشاره می‌کند. طبق دیدگاه‌های دو کشور، حاکمیت دولتهای ساحلی باید به یک نوار ساحلی تسری یابد که عرض آن طبق توافق میان پنج دولت مربوطه تعیین می‌شود. نقاط فراسوی مناطق ملی تابع حاکمیت مشترک خواهند بود و از طریق ترتیب مشاع اداره خواهند شد. (۲۹)

رهیافت مشاع، به همراه یا بدون مناطق ملی مزایای متعددی دارد. اول و مهم‌تر از همه اینکه رهیافت مذکور، توصیف تعدیل یافته و تکامل یافته رژیم فعلی است که حقوق مساوی دولتهای ساحلی در دریای خزر را تضمین خواهند نمود. دوم، این رهیافت توزیع مساوی منابع طبیعی دریای خزر، از جمله ذخایر نفت و گاز آن را در میان دولتهای ساحلی تسهیل خواهد کرد. نهایتاً، ساده‌تر آن است که یک رژیم یکپارچه و قابل اجرا برای سایر جنبه‌های همکاری در دریای خزر مقرر گردد. اتخاذ تدابیری برای حفاظت از محیط زیست، و ایجاد ترتیباتی برای تضمین ماهیگیری مداوم در دریای خزر در زمینه رهیافت مشاع آسان‌تر خواهد بود.

ایران، به رغم اعتقاد به ویژگی‌های مثبت رهیافت مشاع، اخیراً در خصوص دستیابی به مصالحه ممکن بر سر وضعیت حقوقی دریای خزر، از خود انعطاف‌پذیری نشان داده است. ایران تمایل خود را برای بررسی تقسیم دریای خزر میان دولتهای ساحلی بر مبنای این فرض که یک سهم مساوی از منابع دریای خزر دریافت خواهد کرد، ابراز نموده است. (۳۰) تخصیص ۲۰٪ از مناطق و منابع دریای خزر حداقل چیزی است که ممکن است ایران را راضی کند. باید خاطر نشان ساخت که هر توافقی بر سر وضعیت دریای خزر، از سوی مجلس شورای اسلامی، تعیین مرز جمهوری اسلامی ایران تلقی و تفسیر می‌شود و مستلزم تصویب اکثریت نمایندگان مجلس است. (۳۱) به علاوه، اگر دولتهای ساحلی در خصوص تحدید حدود دریای خزر تصمیم بگیرند، ایران مرجح می‌داند که تقسیم، کلیه اجزای دریا از جمله بستر و زیربستر، آب، فضای بالای آب، و غیره را دربرگیرد.

## ۶. سایر عناصر رژیم حقوقی

روشن است که تنظیم یک رژیم حقوقی جامع برای دریای خزر مستلزم آماده‌سازی شرایط و مفاد آن برای اجرا توسط دولتهای ساحلی در خصوص سایر جنبه‌های استفاده از دریا خواهد بود. برای نظم و نسق بخشیدن به ماهیگیری در مناطق مختلف دریای خزر باید ابزار مناسبی تهیه دید. حفاظت از محیط زیست دریای خزر که وضعیتی روبه وخامت دارد نیازمند توجه ویژه است. آلودگی فزاینده دریای خزر، گونه‌های حیاتی مختلف این دریا از جمله ماهی استورژن را تهدید می‌کند. همکاری دولتهای ساحلی در این زمینه‌ها می‌تواند از طریق طراحی دقیق ابزارهای مکمل تسهیل شود. مهم‌تر از همه اینکه، باید نهادی برای تمرکز بر جنبه‌های خاص همکاری دولتهای ساحلی تأسیس شود. از آغاز مذاکرات، ایران تأسیس سازمانی برای همکاری دولتهای ساحلی دریای خزر را پیشنهاد کرده است. به نظر می‌رسد این جنبه‌های یک رژیم جامع کمتر بحث‌انگیز باشند. بنابراین، در حال حاضر دولتهای دریای خزر توجه خود را بر حل و فصل اختلافات خود در خصوص جنبه‌های تحدید حدود دریا متمرکز نموده‌اند. هرگاه راه‌حل قابل توافقی در خصوص این موضوع اساسی پیدا شد، آنگاه به‌سادگی می‌توان مقرراتی در خصوص سایر جنبه‌های یک رژیم حقوقی جامع وضع کرد.

## ۷. اصطلاح «دیپلماسی خط لوله»

این مقاله، بدون بررسی مسأله انتقال نفت و گاز از این منطقه به جهان خارج کامل نخواهد شد. در حال حاضر این واقعیت انکارناپذیر است که ذخایر عظیمی از نفت و گاز در بستر دریای خزر وجود دارند و بین پنج تا ده سال از زمان فعلی، تولید نفت از این منطقه جای میزان نفت استخراجی از دریای شمال را خواهد گرفت. چون سه دولت از پنج دولت ساحلی دریای خزر محصور در خشکی هستند، موضوع انتقال نفت و گاز استخراج شده از این بستر دریایی، توجه زیادی را در جهان به خود جلب کرده و واضح است که در انتخاب مسیر یا مسیرهای خط لوله برای حمل نفت و گاز از بستر دریای خزر به بازارهای جهانی، هم پیامدهای اقتصادی و هم

پیامدهای استراتژیک دخیل می‌باشند.

ایران به حقوق حقه دولتهای ساحلی در انتخاب مسیر برای انتقال نفت و گاز استخراج شده از بستر خزر به کشورهای فراسوی منطقه احترام می‌گذارد. ولی، این کشور مداخله برخی قدرتهای خارج از منطقه برای تحمیل مسیرهای طولانی و پرهزینه برای انتقال نفت و گاز دولتهای محصور در خشکی خزر را نمی‌پذیرد. بی‌شک، این اقدامات قابلیت‌های موجود ایران برای صدور آسان و سریع نفت از منطقه، به آبهای آزاد را نادیده می‌گیرند. ایران، مداخله خارجی را رهیافتی غیرواقع‌گرایانه تلقی می‌کند و معتقد است که راههای دیگر پیشنهاد شده از سوی آنها وقت‌گیر بوده، از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیستند. برای نمونه، خط لوله در حال احداث باکو - جیحان<sup>(۳۲)</sup>، پرهزینه و وقت‌گیر است و از مناطق ناامن عبور می‌کند.

ایران و فدراسیون روسیه نسبت به خط لوله پیشنهادی ماورای خزر که از زیر آب می‌گذرد واکنش نشان داده‌اند. این دو کشور دو دلیل برای مخالفت با این‌گونه پروژه‌ها ارایه کرده‌اند. اول، آنها موضع اصلی خود را مبنی بر اینکه مادام که دولتهای خزر با وضعیت حقوقی جدید دریای خزر موافقت نکرده‌اند نمی‌توان این پروژه‌ها را صرفاً براساس توافق معدودی از دول ساحلی و بدون رضایت صریح سایر دولتهای مناطق اجرا کرد، تکرار کرده‌اند. دوم، پویایی جغرافیایی فعال منطقه، بستر خزر را در معرض زلزله قرار می‌دهد. در این شرایط، احداث هر خط لوله‌ای در بستر دریای خزر می‌تواند آثار زیانباری داشته باشد که یقیناً برای محیط زیست آسیب‌پذیر این دریا و به‌ویژه برای حیات ماهی‌های استورژن خطرناک است.<sup>(۳۳)</sup>

ایران معتقد است که باید اصل امکان‌پذیر عرضه و تقاضا در خصوص انتقال فرآورده‌های نفتی از منطقه به دنیای خارج به کار رود. مزایای اصلی صدور نفت و گاز از طریق ایران از نزدیکی جغرافیایی آن، مصرف روبه رشد داخلی آن، و وجود شبکه گسترده خطوط لوله در سراسر کشور ناشی می‌شود. در نتیجه، ایران در موضعی قرار دارد که می‌تواند گزینه‌های رقابتی برای صدور فرآورده‌های نفتی دولتهای محصور در خشکی منطقه به بازارهای جهانی ارایه نماید.

اول، به دلیل افزایش مصرف نفت، ایران توانایی خرید روزانه ۵۰۰،۰۰۰ بشکه نفت از

دولتهای محصور در خشکی جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان برای مصرف در استانهای شمالی خود را دارد. ایران، به منظور اجرای این سیاست خط لوله‌ای برای انتقال نفت از تسهیلات بندری نکا در دریای خزر، به پالایشگاه تهران احداث کرده است. ظرفیت فعلی این خط لوله ۵۰،۰۰۰ بشکه در روز است که ظرف ۱۵ ماه به ۱۲۰،۰۰۰ بشکه در روز افزایش خواهد یافت. ایران در آستانه افتتاح پایانه نفتی امیرآباد در دریای خزر، با ظرفیت انتقال سالانه ۱/۲ میلیون تن فرآورده‌های نفتی است. به علاوه، ایران تدابیری برای افزایش ظرفیت نفتی خود در پالایشگاه تهران، تبریز و اراک به ۸۰۰،۰۰۰ بشکه در روز اتخاذ کرده است و سه پالایشگاه دیگر نیز در استانهای شمالی ایران برای تصفیه نفت وارداتی از بستر خزر تأسیس خواهد کرد. تدابیر مذکور این فرصت را برای ایران به وجود می‌آورد که این کشور دیگر نفت را از مناطق جنوبی برای مصرف به استانهای شمالی منتقل نسازد. این ترتیبات، بدون شک سریع‌ترین راه‌حل‌های ممکن برای مشکل صدور بخشی از نفت تولیدشده در منطقه خزر هستند.

دوم، ایران کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین راه برای انتقال نفت از دولتهای محصور در خشکی منطقه به ملتهای جنوب و جنوب شرق آسیاست. به دلیل افزایش مصرف انرژی در این کشورها مزایای صدور نفت از طریق ایران را نمی‌توان کم‌اهمیت شمرد. بنابراین ترتیبات فعلی معامله پایاپای نفت که از سوی ایران پیشنهاد شده‌اند راه‌حل ممکن دیگری برای مشکل انتقال نفت در منطقه است. این امر بدان معنی است که ایران نفت و گاز تولید شده در کشورهای محصور در خشکی واقع در شمال خود را دریافت و به همان میزان نفت و گاز خود را از طریق تسهیلاتش در خلیج فارس صادر خواهد کرد. کشورهای صادرکننده ۱۳ تا ۱۶ دلار بابت انتقال هر تن نفت به ایران پرداخت خواهند نمود. (۳۴)

در خاتمه، باید تأکید کرد که نزدیکی جغرافیایی ایران، و پیشنهادات مقرون به صرفه این کشور در زمینه انتقال نفت و گاز تولید شده در منطقه به بازارهای جهانی جالب توجه بوده‌اند. ایران کوتاه‌ترین، ارزان‌ترین، و سریع‌ترین راه برای انتقال نفت و گاز تولید شده در بستر خزر به جهان خارج است.



## یادداشت‌ها

۱. طول دریای خزر تقریباً ۱۲۰۰ کیلومتر و پهنای آن در عرض‌ترین قسمت ۵۵۰ کیلومتر است. این دریا در حال حاضر مساحتی حدود ۳۷۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰ کیلومترمربع را اشغال کرده است. در واقع تخمین دقیق مساحت آن به دلیل این واقعیت که سطح آب دریای خزر در حال افزایش می‌باشد بسیار مشکل است. این فرآیند در اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و انتظار می‌رود در سالهای آتی ادامه یابد. در حال حاضر سطح آب دریای خزر هنوز ۲۸ متر پایین‌تر از سطح آبهای آزاد جهان است. برای اطلاعات بیشتر به آدرس‌های زیر مراجعه شود:

[www.encyclopedia.com/articles/02385/html](http://www.encyclopedia.com/articles/02385/html)

<http://encarta.msn.com/find/concise.asp?it=021EB000>

۲. دریای خزر به وسیله کانال مصنوعی ولگا - دن به دریای سیاه راه دارد.

۳. جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ایران، ترکمنستان و فدراسیون روسیه.

۴. جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان.

۵. میزان دقیق ذخایر نفت و گاز در بستر دریای خزر مشخص نیست. گزارش شده است که ذخایر نفت بستر دریای خزر بسیار بیشتر از آنچه ابتدا تصور می‌شد، می‌باشد. گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در خصوص توسعه و انتقال نفت دریای خزر که در آوریل ۱۹۹۷ به کنگره تقدیم شد، نشان می‌دهد که ۱۵/۶ میلیارد بشکه ذخایر قابل وصول نفت که تاکنون به اثبات رسیده‌اند، در دریای خزر و اطراف آن وجود دارد، و ذخایر احتمالی شاید ۱۶۳ میلیارد بشکه به این رقم بیفزایند.

*Wall Street Journal*, April 30, 1997.

۶. بند ۷ اعلامیه رسمی ایران - روسیه، ۱۲ مارس ۲۰۰۱، بند ۷، بیانیه مشترک ایران - ترکمنستان، ۸ ژوئیه ۱۹۹۸، A/53/453.

۷. بیانیه مشترک ایران - روسیه در خصوص دریای خزر، صادره در تهران، مورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۹۵ را ببینید. این بیانیه به عنوان یک سند سازمان ملل به شماره A/51/59 منتشر شده است؛ موضع فدراسیون روسیه در قبال رژیم حقوقی دریای خزر، A/49/495.

8. Hariti Dipla, "le trace de la frontiere sur les lacs internationaux"

در:

Zacklin Ralf and Caffish Lucius (editors), *the Legal Regime of International Rivers and Lakes*, pp.247-306, 1981, Martinus Nijhoff Publishers, the Hague.

۹. منابع زیر را ببینید:

UN Documents A/49/475, A/52/325, A/52/588, A/53/890 (paragraph 2),  
ضمیمه نامه مورخ ۷ مارس ۲۰۰۰ از نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران خطاب به دبیرکل (A/54/788)،  
همچنین بند ۲ اعلامیه رسمی مشترک جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در خصوص رژیم  
حقوقی دریای خزر را ببینید که توسط رؤسای جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در مسکو، ۲۲  
مارس ۲۰۰۱ به امضا رسید.

۱۰. پرونده‌های رسمی کنفرانس سازمان ملل پیرامون جانشینی دولتها در رابطه با معاهدات؛

United Nations Conference on the Succession of States in respect of Treaties, Vol.III,  
Doc.A/CONF.80/16/Add.2,p.27,paragraph.2.

۱۱. گزارشهای آراء و احکام دیوان بین‌المللی دادگستری:

Reports of the Judgements and Rulings of the ICJ, 1997, p.72.

۱۲. اعلامیه آلمانها، در میان سایر موارد، تصریح می‌دارد که «دولتهای مشارکت‌کننده در جامعه کشورهای  
مشترک‌المنافع بر طبق رویه‌های قانون اساسی خود اجرای تعهدات بین‌المللی ناشی از معاهدات و  
موافقتنامه‌های منعقد شده توسط اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سابق را تضمین می‌کنند».

Annex II of the UN Document A/47/60.

13. Reports of ICJ Judgements and Opinions, 1992, p.601, paragraph 403.

14. *Ibid.*, p.603, paragraph 409.

۱۵. بیانیه مشترک فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در خصوص پیشنهاد احداث خط لوله از  
طریق دریای خزر،

۱۶. سخنرانی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ دسامبر ۱۹۹۸،  
UN Document A/52/325.

۱۷. بند ۵ سخنرانی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ دسامبر ۱۹۹۸،  
UN Document A/53/890;

نامه مورخ ۳ سپتامبر ۱۹۹۷ از کاردار نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل خطاب به  
دبیرکل سازمان،

A/52/325.

۱۸. بند ۳ بیانیه مشترک ۸ ژوئیه ۱۹۹۸ رؤسای جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان؛

UN Document A/53/453;

بیانیه مشترک فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در خصوص پیشنهاد احداث یک خط لوله از  
طریق دریای خزر،

UN Document A/54/788.

۱۹. اعلامیه مشترک ایران و روسیه دربارهٔ دریای خزر، بند ۵

UN Document A/51/59;

سخنرانی سخنگوی وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران،

UN Document A/55/890;

اعلامیه مشعر بر موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم حقوقی دریای خزر،

A/52/588;

اعلامیه رسمی مشترک ایران - روسیه، ۲۲ مارس ۲۰۰۱، بند ۳.

۲۰. بند ۲ بیانیه مشترک ۸ ژوئیه ۱۹۹۸ رؤسای جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان،

A/53/453;

بند ۸ اعلامیه ایران - روسیه، ۱۲ مارس ۲۰۰۱.

۲۱. بیانیه مشترک روسیه - ایران دربارهٔ دریای خزر، صادره در تهران، ۳۰ اکتبر ۱۹۹۵، در بند ۱ اشعار می‌دارد که «تصمیم دربارهٔ هر موضوعی در رابطه با تنظیم استفاده از دریای خزر و منابع آن، با توجه به معاهدات بین‌المللی، اتخاذ می‌شود... با در نظر داشتن حقوق مساوی و منافع متقابل آنها،

UN Document A/51/59.

۲۲. بیانیه مشترک ۸ ژوئیه ۱۹۹۸ رؤسای جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان در بند ۵ خود اشعار می‌دارد: «در صورت تقسیم، دوطرف بر اصل سهم مساوی برای کلیهٔ دول ساحلی و بهره‌برداری مساوی از منابع دریای خزر تأکید کردند»؛

UN Document A/53/453.

۲۳. اعلامیه مشعر بر موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بهره‌برداری از منابع دریای خزر را ببینید،

UN Document A/52/588, 12 November 1997.

۲۴. ببینید:

UN Document A/52/325.

همچنین اعلامیه مشترک ایران - روسیه: ۲ مارس ۲۰۰۱، بند ۹ را ببینید.

۲۵. بیانیه وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران در خصوص نتایج مشورتهای قزاقستان - روسیه، منعکس شده در بیانیه مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۹۸ وزارت خارجه قزاقستان را ببینید،

UN Document A/52/913.

۲۶. بیانیه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران دربارهٔ موافقتنامه امضا شده در ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۸ توسط رؤسای جمهوری فدراسیون روسیه و قزاقستان دربارهٔ وضعیت حقوقی دریای خزر را ببینید،

UN Document A/52/1011.

۲۷. فدراسیون روسیه و قزاقستان موافقتنامه‌ای در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۸، به امضا رسانیده‌اند که مرزهای دریایی مجاور آنها را بر مبنای خط منصف تعیین می‌کند. این موافقتنامه هنوز اجرا نگردیده است. قزاقستان و فدراسیون روسیه تفاهم‌نامه‌ای در خصوص تحدید حدود مرزهای دریایی مجاور نیز امضا کرده‌اند.

28. Hariti Dipla, note no.9.

۲۹. بند ۴ بیانیه مشترک ۸ ژوئیه ۱۹۹۸ رؤسای جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان اشعار می‌دارد: «دو طرف معتقد بودند که یک موافقتنامه مشاع برای استفاده مشترک دولتهای ساحلی از دریای خزر، از طریق یک نوار دهانه‌ای قطاعی به‌عنوان منطقه ملی، مناسب‌ترین مینا برای رژیم حقوقی است. گستره مناطق ملی و شیوه‌های استفاده مشترک از دریای خزر تابع موافقتنامه‌های تکمیلی است».

UN Document A/35/453.

۳۰. اظهارات وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۲۲ آوریل ۱۹۹۹.

۳۱. اصل ۷۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را ببینید.

۳۲. موافقتنامه احداث خط لوله نفت و گاز برای انتقال این محصولات از بستر خزر به اروپا تحت فشار آمریکا در نوامبر ۱۹۹۹ امضا شد. خط لوله ۱۷۳۰ کیلومتری که از جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه می‌گذرد، نفت و گاز تولیدشده در جمهوری آذربایجان را به دریای مدیترانه انتقال می‌دهد. این عملیات ۲/۴ میلیارد دلار هزینه دربر خواهد داشت و در سال ۲۰۰۴ به پایان خواهد رسید؛ ببینید:

Stephan Kinzer, "Caspian Lands Back a Pipeline Pushed by West", *The New York Times*, Novembr 19, 1999.

<http://news.bbc.co.uk/hi/english/world>, November 18, 1999.

۳۳. طبق بیانیه مشترک صادره از سوی فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۹، دو کشور «اعتراض قاطع خود را علیه اجرای این پروژه‌ها قبل از اینکه دولتهای خزر به توافق کلی بر سر اتخاذ یک وضعیت حقوقی جدید برای دریای خزر و حفاظت از امنیت اکولوژیک آن نایل آیند» اعلام کردند.

UN Document A/54/788.

همچنین بند ۶ اعلامیه رسمی مشترک ایران - روسیه، ۲۲ مارس ۲۰۰۱ را ببینید.

۳۴. طبق سیاستهای جدید وزارت نفت، اگر صادرات نفت از ۱۰۰۰۰ بشکه در روز تجاوز کند، مشمول ۵٪ تخفیف، و اگر از ۲۰۰۰۰ بشکه در روز تجاوز کند مشمول ۲۰٪ تخفیف خواهد شد.